

درس خارج فقه پول و بانک

استاد مصباحی مقدم

جلسه دوم

1399/07/12

مرور جلسه گذشته (تاریخ تحولات پول)

جلسه هفته پیش بحثی را ارائه کردیم در مورد تاریخ تحولات پول. اشاره کردیم به اینکه پول در تاریخ زندگی اجتماعی و اقتصادی بشر نقش آفرین بوده و شکلهای مختلفی به خودش گرفته. مبادلات ابتدایی انسانها به صورت تهاتری بوده بعدا پول کالایی به وجود آمده یعنی یک کالا در هر منطقه ای مینا قرار گرفته و بعدا با توجه به افزایش تولید و تجارت بین ملت‌های مختلف، طلا و نقره موضوع مبادلات قرار گرفته و پول شده. در دوره رواج بعد هم تبدیل به مسکوکات طلا و نقره شده.

در دوره رواج مسکوکات طلا و نقره مشکلاتی بروز کرد این مشکلات که بروز کرد به تدریج مردم پول خودشان را مسکوکات خودشان را نزد صرافان می گذاشتند به امانت و در مقابلش حواله دریافت می کردند. حواله ها مبادله شد و از قرن ۱۵ میلادی به بعد کم کم نقش حواله ها رو دولتها مورد استفاده قرار دادند و پول کاغذی با تعهد تبدیل به طلا شکل گرفت. یعنی هرکس مراجعه می کرد واز بانکها مطالبه می کرد بهش طلا یا نقره می دادند.

بعدا پول با تعهد طلا تبدیل شد به پول بدون تعهد طلا و تبدیل به تعهد نقره و بالاخره در قرن ۲۰ میلادی با بروز جنگهای جهانی اول و دوم دولتهای درگیر جنگ برای تامین هزینه های سر سام آور خودشون اقدام به انتشار هجم گسترده ای از اسکناس کردند. خصوصا آلمان خیلی گسترده اسکناس چاپ کرد و با انتشار این هجم عظیم اسکناس دیگه رابطه پول با طلا به هم ریخت. اوضاع پول به هم ریخت، بی انضباطی و هرج و مرج پولی شکل گرفت.

از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۰ مجددا سیستم پایه ارز، طلا یعنی ارز مبتنی بر طلا متداول شد و مجدد از ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۴ که سال تشکیل کنفرانس برتن وودز بود، بی نظمی و هرج و مرج به وجود آمد در مسائل پولی و بالاخره کنفرانس برتن وودز که برگزار شد مبدا یک نظام پولی با پایه ارز، طلا یعنی ارز مبتنی بر طلا شکل گرفت. آمریکا متعهد شد که هر ۳۵ دلار معادل یک اونس که اون زمان رابطه پول آمریکا با طلا بود این رو حفظ کنه این رابطه رو نگه داره و دلار آمریکا با این مینا استقرار پیدا کرد. هر کشوری هم که از کشورهای دیگه میخواست پول خودش رو منتشر کنه باید مبنای خودش رو برابری اون پول با دلار قرار می داد. فرض بر این بود که حالا دلار مبتنی بر طلاست و کشورهایی که نا هماهنگ با صندوق بین المللی پول عمل می کردند از کمک های صندوق هم محروم می شدند. کشورهایی هم که نیازمند کمک بودند برای بازسازی که غالبا اروپاییها به خاطر جنگ زیر ساختهاشون ویران شده بود اینها باید از بانک ترمیم و توسعه که بعدا به بانک جهانی تغییر نام پیدا کرد باید کمک می گرفتند.

از سال ۱۹۶۸ مشکلات مالی از جانب خود ایالات متحده آمریکا ظهور کرد. آمریکا با کسری ترازهای پرداخت روبرو شد و هراز چند گاهی دچار آشوب بزرگ پولی می شد. تا اینکه ۱۹۷۱ نیکسون اعلام کرد که رابطه دلار با طلا قطع شده است. این برای این بود که اون تعهداتی که میخواست تسویه بشه بیایند دلارهارو برگردوند و طلا دریافت کنند دیگه کسی مراجعه نکنه و همین منتج شد به اینکه دلارها در اروپا باقی ماند ودر اروپا به گردش در آمد و از اروپا هم به سایر کشورها ی جهان. از اینجا دلار آمریکا شد پول جهانی. خود این اتفاقی که افتاد یک فرصت برای آمریکا شد. یعنی آمریکا با سلطه پولی خودش در جهان قدرت مکندگی ثروتهای جهان رو پیدا کرد. کاغذ می دهد و سرمایه پیدا می کند. کاغذ می دهد کالا وارد می کند. کاغذ می دهد نیروی انسانی وارد می کند.

الان که هریک اونس طلا تقریبا نزدیک ۲۰۰ دلار شده این فاصله رو با ۱۹۴۴ در نظر بگیرید که ۳۵ دلار یک اونس بوده برگشت اون پمپاژ اسکناسی است که صورت گرفته اون پمپاژ پولی است که از سوی آمریکا صورت گرفته وبقیه اش می توان گفت ثروت جهانی است که به سوی آمریکا جذب شده و کشیده شده بدون اینکه خود ملت‌ها مطلع باشند و بدونند. به این پدیده میگن حق آقایی پول.

این حق آقایی پول هم در هر کشور معنی داره هم در سطح جهانی معنی داره. مقام ناشر اسکناس در هر کشوری در اثر انتشار اون اسکناس نوعی سلطه پیدا میکنه همه این معاملات بر اساس این اسکناس صورت می گیره اگر بخواهد مقداری اضافه بکند و قدرت پول مردم را بکاهد میشه گفت اون قدرت کاسته شده را جذب کرده، به این امر مالیات تورمی می گویند. حالا همین مساله در سطح جهانی توسط پولهای جهان روا خصوصا دلار داره انجام می گیره که الان تقریبا ۶۷ درصد پول مورد مبادله در جهان هست.

حالا آنچه که می توان گفت باز اینه که با اعلامیه نیکسون نظام برتن وودز به هم ریخت فرو ریخت که پول بر پایه طلا باشه و پول اعتباری محض شکل گرفت. این پول اعتباری محض یعنی هیچگونه پشتوانه ای از طلا یا نقره در جهان ندارد. در حال حاضر علاوه بر اسکناس و مسکوکات طلا و نقره پول خرد دیگری هم وجود داره که بهش میگن پول نیکی یا مسی، پول خرده و علاوه بر این ما چیزی به نام پول طلا و نقره نداریم. پول الکترونیک شکل گرفته و کارتهای اعتباری وسیله انتقال این پول الکترونیک هستند جایگزین پول اعتباری شده است. امروزه پول در رشد و پیشرفت اقتصادی، تورم، رکود، رونق، تورم، اشتغال، سرمایه گذاری و سایر متغیرهای اقتصادی نقش حائز اهمیتی رو ایفا می کنه. آثار مهمی رو در اقتصاد کشورها داره. چون یکی از نظریات اینه که پول خنثی است. واقع این است که پول خنثی نیست. پول بسیار هم تاثیر گذار است.

حالا با توجه به تحولات پول، مطالعه درباره پولها از ابعاد گوناگون از جمله از نظر فقهی ضرورت بیشتری پیدا کرده. فقهای بزرگوار هم از منظر فقه به پول توجه کرده اند و برای مقلدانشون به صورت فتوا، برای صاحب نظران، با روش اجتهادی اظهار نظر می فرمایند. به حول و قوه الهی ما هم میخوایم در این تدریس خودمون با استفاده از کتاب و سنت و اقوال فقهای گذشته و حال ابتدا درباره پول کالایی بعد در مورد مسکوکات فلزی طلا و نقره، درهم و دینار و بعد در مرحله بعد از دیدگاه فقها و نظر کارشناسی اقتصادی در مورد پول اعتباری صحبت کنیم. شاید جلسه گذشته یک اشاره ای هم به تعاریف پول داشتیم. تعریف لغوی رو من خاطر می هست که ارائه کردم.

تعریف اقتصادی پول

غالبا اقتصاددانان پول رو این طور تعریف می کنند: هر چیزی که سه تا وظیفه رو به خوبی انجام بده یکی وسیله مبادله کالاها و خدمات باشه، دوم معیار سنجش ارزش کالاها و خدمات باشه یعنی یک مقیاس هست برای سنجش هر کالا. اگر کالاها رو قبلا ما میخواستیم قبلا مبادله بکنیم در دوران مبادله پول کالایی، کالاها بودند که با هم سنجیده می شدند و البته سنجش قیمت آنها هم به صورت نسبی با سایر کالاها دیگه مقایسه می شد و به دست می آمد ولی در زمانی که پول رواج پیدا کرده این پول مقیاس سنجش ارزش شده. علاوه بر این وظیفه سوم اینو داره که وسیله ذخیره ارزش هست. یعنی ارزش در پول ذخیره می شود. آدم می تونه پول رو نگه داره ذخیره ارزشی رو که به دست آورده به وسیله پول ذخیره کند نگه بدارد تا روز مبادا ارزش استفاده بکند. البته این منوط به اینه که پول دچار نوسان ارزش و قدرت خرید نشود. به این اشاره خواهیم کرد.

نقل و نقد نظر دکتر توتونچیان

آقای دکتر توتونچیان که از اساتید دانشگاه الزهرا هستند یا بوده اند ایشون کتابی دارند تحت عنوان پول و بانکداری از نظر اسلام، منکر این وظیفه برای پول از نظر اسلام هستند. میگن از نظر اسلام پول ذخیره ارزش نیست. استدلالی که می کنند به حرمت کنزهست. چون کنز از نظر اسلام حرام است (الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله و بشرهم بعذاب الیم) ایشون میگه بنا براین وسیله ذخیره ارزش برای پول از نظر اسلام پذیرفته نیست. با بررسی که ما کردیم و بعضی ازدوستان صاحب نظر کرده اند تصور می کنیم که اشتباهی برای این بزرگوار رخ داده. پول وظیفه سوم را دارد اگر نمی داشت کسی نگه نمی داشت و هرگاه ببینیم مردم پول را نگه می دارند هم مطالبه می کنند تقاضا می کنند هم نگه می دارند برای این است که این وسیله ذخیره ارزش رو داره ایفا می کنه اینی که اسلام با کنز مبارزه کرده و کنز رو حرام دانسته به معنای این نیست که پول وظیفه سوم رو نداره و ذخیره ارزش نیست بلکه حرمت کنز به معنای این است که کسی منابع مالی خودش رو از جریان مبادلات خارج کنه. اگر پولی در جریان مبادلاته پس کنز نشده. اگر پولی دفن بشه حالا زمانی پولهای طلا و

نقره دفن می شد اونجا کنز صورت گرفته و کنز از نظر تاریخ فقه ما مراد اون پولهای سپرده شده درخاکه، اون رو می گفتند کنز. از نظر روایات کنز به پولی گفته میشه که زکات آن داده نشده باشد. روایتی داریم که فرمود هر پولی که زکات آن داده شده باشد کنز نیست ولو دفن شده باشد در زیر هفت طبقه و هر پولی که زکات آن داده نشده باشد کنز است ولو اینکه مشهود باشد. این از بعد فقهی حرمت کنز عدم اداء زکات آن است. آیه شریفه هم این معنا را می رساند. مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه با توجه به خود آیه می فرماید این قید رو داره (الذین یکنزون الذهب و الفضة و لا ینفقونها فی سبیل الله) عدم انفاق مبنای شناسایی کنز است اگر انفاق فی سبیل الله بشود دیگه کنز نیست.

سوال حضار: منظور زکات مصطلح یا زکات عام هست؟

این مراد در آیه شریفه ظاهرا زکات مصطلح است. حالا اگر هم زکات عام هم بگیریم عیبی نداره چون اگر زکات عام بگیریم شمول پیدا می کنه نسبت به خمس...

نظر تحلیلی در مورد زکات

نظر بنده همینه که در قرآن هرجایی زکات آمده ناظر به زکات عام هست. حالا به خورده حاشیه برم بد نیست. وقتی که یکی از ارکان اسلام زکات است (بنی الاسلام علی الخمس: الصلاه و الزکات و الصوم و الحج و الولایه) این زکات معنیش اینه که به چیزی هست که از اعتبار و گردن کلفتی باید برخوردار باشه، دامنه اش باید شمول داشته باشه، حیظه قدرتش خیلی بالا باشه چون ستون است. ستون به یک چیزی می گویند که سقف روی آن قرار گرفته این یعنی از استحکام بالایی برخورداره. خوب ما می بینیم اگر این استحکام رو بخوایم در نظر بگیریم امروزه شمول نسبت به خمس داره. خمس از چنین قدرت و قوتی برخورداره و البته علاوه بر این اون روایاتی که متعدد هم هست حکایت از این میکنه که (لو اد الناس حقوق اموالهم و کانو عائشین بخیر) اگر مردم حقوق اموالشان را می دادند یا حتی در مورد خصوص زکات (ان الله نظر فی اموال الاغنیاء و نظر فی الفقراء فجعل فی اموال الاغنیاء ما یکتفون به) پس باید به قدری باشد که فقراء اکتفا کنند و ما می بینیم زکات خصوصا در عصر حاضر از چنین توان مالی برخوردار نیست که فقرا به آن اکتفا بکنند. اگر کفایت نمی کرد اینکه ائمه هدايات مکرر در روایات فرموده اند که اگر این منابعی که خداوند برای زکات قرار داده است کفایت نکند رفع فقر را خدا زیاد می کرد این کشف می کند برای ما با کشف این که زکات، این زکات محدود نه قلم نیست بلکه دامنه اش باید وسیع تر باشد که بنده با تحقیقی که کرده ام به این جمع بندی رسیده ام که شمول داره نه تنها نسبت به خمس بلکه نسبت به سایر منابع مالی رو هم مثل خراج انفال و امثال اینها رو هم فرا میگیره. صحبت حضار: پس هرجا که زکات به طور مطلق بیاد همون شمول رو گرفته با قرینه خارج میشه.

صحبت استاد: بله خوب حالا این به بحث خارج از موضوع بود چون ما به زکات پول خواهیم رسید. این وظیفه سوم رو هم به نظر ما پول دارد و وسیله ذخیره ارزش است.

سوال حضار: شما در رد نظر آقای توتونچی فرمودید که حرمت کنز به دلیل عدم انفاق هست این چه ربطی به پول رایج دارد؟

پاسخ استاد: شامل پول رایج نمی شود.

ادامه سوال حضار: پس نظر آقای توتونچیان درسته؟

پاسخ استاد: نه اشاره فرمودند که زکات مرادتون چیست؟ اگر مرادتان زکات خاص باشد شامل پول رایج نمی شه حالا اینم بحث خواهیم کرد. ولی اگر مرادتان از زکات، زکات عام باشد که شمول پیدا می کنه نسبت به خمس طبعاً شامل اونم میشه یعنی اگر کسی منابع مالی خودش رو به کار بگیره ولی خمسش رو نده خیلی خوب باز هم (و الذین یکنزون الذهب و الفضة ینفقونها فی سبیل الله) شامل حالش میشه.

سوال حضار: پول مال التجاره هم بعضیا گفتند که خمسش باید داده بشه؟

پاسخ استاد: اون مستحبه بنا به نظر مشهور.

ادامه سوال حضار: آیت الله سیستانی احتیاط واجب دانسته اند؟

پاسخ استاد: بله قائل به فتوای وجوبند، احتیاط واجب. بالاخره کسی رو پیدا کنید که قائل به وجوب باشه، بشه احتیاط واجب ایشون رو به او ارجاع کرد. مرحوم صدوق قائل به وجوب زکات مال التجاره است ولی بقیه فقههای از قدما مثل ابن عقیل و اینها هم ظاهراً قائل به وجوبند. این یه بحثی داره که من در کتاب (منابع مالی دولت اسلامی) اشاره کرده ام. اون بحث اینکه که زکات مال التجاره رو خلیفه دوم واجب کرد و ائمه هدایت مهدیین برای نفی آن خیلی سرمایه گذاری کردند. یعنی خود این حصر روایاتی که حاصر هست در نه قلم، به نظر من تعریض روشنی داره بر اقدامی که خلیفه دوم کرده و یه جایی حتی حالا در مورد مثلاً برنج سوال می کنه (یا عندنا شی کثیر یقال لها ارز) حضرت می فرماید که بله (کان فی زمن رسول الله صلی الله علیه و آله **الارز** و لکن...) برش زکات رو وضع نکردند بعد او اصرار می کنه که مثلاً آقا این مثلاً منابعش خیلی زیاده حضرت فرمود: (فمن شاء فلیومن و من شاء فلیکفر) این یک نوع اصرار بر حصر زکات در نه قلم همان زکات خاص و نفی زکات مال التجاره که واضح آن خلیفه دومه و اونها در عصر خلافت بنی امیه، بنی عباس می گرفتند و ائمه اصرار داشتند بر اینکه شیعیان نپردازند. بعضیها می گفتند آقا (نمر بالمال علی العشار) عشار قسممون میده که مالی داری که مثلاً مشمول زکات شده باشه یا مشمول خراج شده باشه؟ ما میخوایم فرار بکنیم میگه که قسم بخور. حضرت فرمود که قسم بخور. گفت که ما را قسم میدهد به طلاق عیال، فرمود که قسم بخور مانعی نداره. حتی در یک روایت داره که اموال مسلمین مال من می بود و بر عشار می گذشتم به اصطلاح همه آنها قسم می خوردند. این در واقع حفظ مال است و جلوگیری از این است که این مال در دست اونها قرار بگیره. این نوعی واکنش است و در عین حال محروم کردن خلفای وقت است از اینکه بخواهند از این زکاتی که خلیفه دوم وضع کرده فرار کنند. حالا این بحث ما رویه مقداری به حاشیه می بره برگردیم به بحث پول.

تعاریف دیگری از پول

خوب یه تعریف دیگه ای هم در مورد پول شده گفتند پول، وسیله، قطعه شیئی است که انسانها برای تبادل خواسته ها، خدمات کالاها و نیازهای خود مورد استفاده قرار می دهند. تعریف دیگر پول عبارتست از آن چیزی که در داد و ستد و مبادله مورد قبول عموم افراد جامعه است. این تعریف خیلی روشن است که تعریف به وظیفه است و تعریف به وظیفه چیستی پول رو برای ما روشن نمی کنه. در اقتصاد ایران هم با دو تعریف از پول روبرو هستیم. یکی اینکه میگن پول عبارتست از اسکناس و مسکوک. اسکناس همین اسکناس هایی که به دست ما میاد. مسکوکات هم همون مسکوکات برای خریدهای خرد، مسکوکات نیکلی. یک تعریف دیگه ای هم هست: نقدینگی که اینم زیاد به کار برده میشه. معنای اینم بدونیم این نقدینگی شامل پول و شبه پول میشه. پول همان مسکوکات و اسکناسهاست. شبه پول علاوه بر اسکناس و مسکوک، سپرده های بانکی رو میگن شبه پول. پولی که مردم توی بانکها میگذارند از اون طرف هم بانک به دیگران از این طریق تسهیلات میده یا وام میده این سپرده های بانکی شبه پول هست. مثلاً الان حجم پول به صورت اسکناس و مسکوک یه رقمی این طور که به خاطر دارم ۳۳۰ هزار میلیارد تومانه ولی حجم نقدینگی ۲۸۰۰ هزار میلیارد تومانه شامل پول و شبه پول. البته حالا این شبه پولم که میگی دیگه کسانی که بحثهای پول رو در کتاب های اقتصادی بخوند می بینند انواع شبه پول وجود داره.

تعریف فقهی پول

جلسه قبل هم به این اشاره ای کردم غالباً تعریف خاصی نداره بلکه با ذکر مصادیق بیان شده گاهی با عنوان ذهب و فضه گاهی با عنوان درهم و دینار گاهی با عنوان نقدین اما اولین کسی که شاید عنوان به پول داده مرحوم علامه حلی رضوان الله تعالی علیه است که در کتاب قواعد فرموده است (فی الصرف و هو بیع الاثمان) اسم ثمن رو برای پول گذاشته. هرچیزی که بهای کالاها قرار بگیرد. یه مبیع داریم یه ثمن دیگه این بحثهای متعارفی است که برای دوستان در فقه خیلی روشن و آشناست. در مختصرهم فرموده (الکلام فی الصرف و هو بیع الاثمان بالاثمان). در قواعد که اشاره کردم (بیع الاثمان بمثلها). شهید هم در لمعه همین رو داره بیع الاثمان بمثلها. صاحب جواهر در کتاب خودش می نویسد (الثالث من الامور الذی یتوقف بیان الربا فی البیع علیها الصرف) خود کلمه صرف رو یه توضیحی میده میگه صرف رو به معنای صوت گرفته اند. چرا؟ چون وقتی که پول دست به دست میشه صدا میکنه، پولهای فلزی. (و شرعاً یا متشرعیتاً بیع الاثمان ای ذهب

و الفضة مسكوكين او لا بالاثمان) بعد هم بيان می کند که نه (ان يظهر من بعض النصوص وصوله لقصد مطلق المبادله والمعاوضه) این صرف به کار برده میشه در مطلق مبادله و معاوضه و علی کل حال (فسمى بيعها صرفا لمناسبت اشتغالها على الصوت عند تقليبها بالبيع و الشراء و ربما قيل بكونه منقولاً من التصريف) چون دست به دست میشه خود دست به دست شدن تصريف است. (بل فيما حضرنى من نسخه منسوبه للشهيد على القواعد عن قطب الدين قال: الذهب والفضه ثمنان و ان باعهما بعوض و لهذا لو باعه دينارا بحيوان ثبت للبائع الخيار بالاتفاق) به اتفاق فقها اگر کسی دیناری را بفروشد در مقابل حیوانی یعنی بایع صاحب دینار است اینجا بایع خيار حیوان پیدا میکنه در بيع حیوان، در مقابل درهم و دینار مشتری خيار حیوان پیدا می کرد اینجا بایع خيار حیوان پیدا میکنه. (قال و ان كانا عوضين فكل منهما بايع و مشتری) از حاشیه شهید در قاعد اینطور به دست آوردند که فرموده اگر مبادله بین ثمنین صورت بگیره (فكلهما بايع و مشتری) از باب اینکه هر دو دارای ثمن اند پس هر دو بایع اند هر دو مشتری (ولو باعه حيوانا بحيوان ثبت لكل منهما الخيار). حالا عبارت مرحوم صاحب جواهر ادامه داره شاهد کلام ما در این بحث اینه که مرحوم صاحب جواهر هم از طلا و نقره و مسکوکات طلا و نقره تعبیر به ثمن در مقابل مبیع کرده اند شهید صدر رضوان الله تعالى علیه در باره پولهای کاغذی اینگونه ای که بعدا بیشتر صحبت خواهیم کرد تعبیر به قدرت خرید دارد. می فرماید پول عبارتست از قدرت خرید. اینجا بحث از مسکوکات فراتر رفته. مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی هم تمام هستی پول کنونی را در قدرت خریدش می بینه. آیت الله موسوی بجنوردی هم می فرماید: اسکناس عبارت است از چیزی که در آن به وسیله مرجعی معتبر یعنی قانون گذار به گونه قدرت خرید اعتبار مالیت و ارزش داده شده است. پس تمام حقیقت و هویت اسکناس، قدرت خرید و قدرت توانایی رفع احتیاجات است دارنده اسکناس، مالک قدرت خرید معینی خواهد بود نه مالک اسکناس. یعنی نه مالک اسکناس خاص با شماره معین، اینم بیان ایشونه. خوب حالا اینجا در حد تعریف.

ماهیت پول اعتباری

از اینجا ما وارد ماهیت پول اعتباری میشیم. این یه بحث خیلی مهمی است. بالاخره تعریف به ماهیت پول اعتباری چیست؟ من یک سیری رو مجدد باز بیان میکنم دو نظریه درباره ماهیت پول اعتباری هست: یک نظریه، نظریه ارزش اسمی: غالب فقها قائل به این هستند که پول اعتباری یا پول، چیزی جز ارزش اسمی نیست. نویسندگان کتاب پول در اقتصاد اسلامی هم که حوزه و دانشگاه انتشارات الان دیگه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر کرده است. قائل به این هستند که ارزش اسمی مبناست. استدلالشون هم دو دلیل است: یک دلیل اینه که قدرت خرید از عوارض پول و از حالات پول است نه ماهیت پول. شاهدشون هم اینه که فردی مقدار پول اعتباری رو قرض میکنه در عرف گفته نمیشه که اون قدرت خرید قرض کرده. دلیل دومشون هم اینه که پول اعتباری از جهت پول بودن با اون پول حقیقی و مسکوکات فلزی تفاوتی نداره. تفاوت از جهت ماده است پول حقیقی ماده اش کالایی است که ارزش واقعی و حقیقی داره ترکیب شده با یک اعتبار، ولی پول کاغذی اعتبار محض است از جهت پولی با هم تفاوتی ندارند. اگر معتقد باشیم که مقوم پول اعتباری قدرت خرید آن هست باید بگیم این سخن درباره مسکوکات طلا و نقره هم جاریست و اگر ارزش سکه های طلا و نقره هم کاهش پیدا بکنه می باید که جبران بشود. اینم استدلال دومشون.

صحبت یکی از حضار: پول حقیقی قابل اسقاط نیست از نظر ارزشی ولی پول اعتباری اسقاط میشه.

صحبت استاد: البته از نظر ظاهری پول حقیقی هم قابل اسقاط هست منتها نه اسقاط بالکل، اسقاط اعتبار. کما اینکه در دورانی هم که مسکوکات منتشر می شده دراهمی بوده که در روایت می گوید (اسقطه السلطان) یعنی از جریان مبادلات خارجشون کرد به جاش مسکوکات تازه ای رو منتشر می کرد که می گفتند (الدرهم الطازجه) در روایات هم اشاره شده پس اسقاط هم معنی داره اما به اسقاط مالیت معنی نداره ولی در مورد پول اعتباری چرا. حالا ببینید من نقل نظر الان دارم میکنم. این نظریه با مناقشاتی روبروست من بهش اشاره می کنم. اما در مقابل این نظر، نظریه قدرت خریده که بهش اشاره کردیم هم شهید آیت الله صدر قائل به این معناست هم تعداد دیگری از بزرگان. پولهای کاغذی هم که تعدادی از بزرگان از جمله شهید صدر گفته اند، گرچه مال مثلی است اما مثل آن فقط همان کاغذ نیست بلکه هر چیزی

است که قیمت حقیقی آن را بیان کند. بنابراین اگر بانک به هنگام باز پرداخت سپرده ها به سپرده گذاران، قیمت حقیقی آنچه را که دریافت کرده است پرداخت کند مرتکب ربا نشده است. این در الاسلام بقود الحیاه ذکر شده است.

سوال حضار: مراجع فعلی هم همین نظر رو دارند؟

پاسخ استاد: بله حضرت آیت الله خامنه ای حفظه الله هم همین نظر رو دارند. ظاهرا از استفتایی که از ایشان شده و آیت الله شبیری هم من به استفتایی از ایشان دیدم خوب به خاطر میارم حدود ۲۵ سال قبل بنده با حضرت آیت الله شبیری بعد از اقامه نماز ایشان در بین راه با ایشان صحبتی داشتم ایشان قبول نمی کردند که پول اعتباری به غیر از به اصطلاح مانع مثلی است و مثلش رو باید پرداخت از ایشان سوال کردم که اگر کسی خانه ای بخرد و ارزش خانه او مثلا ۵ میلیون تومان باشد یکسال دوسال از این خرید بگذرد قیمت خانه بر اثر نه عرضه و تقاضا بلکه فقط در اثر اینکه پول تضعیف شده ارزشش بشود ۱۰ میلیون تومان شما این ۵ میلیون تومان ما به تفاوت را مشمول خمس می دانید؟ تاملی فرمودند و فرمودند که همه اش نه بلکه اون مقداری که ناشی از تورم هست ربح به حساب نمی آید و مشمول خمس نمی شود. گفتم اگر این طرفش رو قبول دارید پس چرا اون طرفش رو قبول نمی کنید؟ که اگر کسی به دیگری ۵ میلیون تومان بدهد و چند سال بگذرد بخواهد طلب خودش را مطالبه کند حق داشته باشد بگوید آقا این ۵ میلیون تومان آن ۵ میلیون تومان نیست. پاسخی ندادند این مطلب را با حضرت آیت الله وحید خراسانی حفظه الله که استاد بنده بودند پیش از ۱۰ سال، محضرشون مطرح کردم ایشان پاسخشون این بود که باید مصالحه کنند حتی در خمس هم فرمودند باید مصالحه کنند. الانم اگر استفتاء کنید پاسخ همینه میگن باید مصالحه کنند. چرا که خیلی مشخص نیست مقدار تفاوتی که رخ داده. از آیت الله خامنه ای ازشون سوال شده که اگر پولی قرض داده شود و شرط شود که قرض گیرنده تورم را موقع ادا بدهد چه حکمی دارد؟ ایشان پاسخ دادند جایز است و صدق زیاده نمی کند.

صحبت حضار: ایشان احتیاط داشتند و فرمودند مصالحه شود ولی الان فرمودند اشکالی ندارد...

صحبت استاد: بله دیگه قاطع به نتیجه رسیدند.

سوال دوم: اگر چنین شرطی نشود حالا این شرط چقدر با فتاوی آیت الله سبحانی...

سوال حضار: وام جدید مسکن رو نمی شد با همین حلش کنند؟

پاسخ استاد: می شد اما پاسخ همه فقها نبود. آقای مکارم قبول ندارند، از آقای مکارم استفتاء شده، فرمودند عرف هنوز قبول ندارد که این پول...

صحبت حضار: ولی آقای مکارم فتوا دادند...

صحبت استاد: چه بهتر... بسیار خوب پس کم کم دارند به نتیجه می رسند ولی بالاخره ما باید ملاحظه فتاوی این بزرگان رومی کردیم....

صحبت حضار: حاج آقا شبهه اعتقادی به وجود میاد... در خود کلمات رهبری هم تعارضی راجع به این هست... مثلا راجع به بدهی هایی که ۱۰ سال پیش هست توی فتوا قائل به مصالحه هستند...

دیگر حضار: این عوض شده..

پاسخ استاد: نکنه مال گذشته باشه... احتمال بدید که اون از فتاوی مربوط به گذشته هست یعنی یک روندی طی شده تا به این نتیجه رسیده اند.

صحبت حضار: استاد این رو قبول دارند حضرت آقا می فرمایند اگر مصالحه هم ممکنه مقدم کنند...

صحبت استاد: بسیار خوب پس مصالحه مقدمه... پس بالاخره در مورد پولی که به بانک سپرده می شه یا کسی از کسی مطالبه می کنه، تقاضا می کنه، قرض میکنه بعد شرط می کنه می فرمایند مانعی نداره بعد بدون شرطش اگر چنین شرطی نشود و قرض گیرنده در موعد مقرر دینش را پرداخت کند آیا مکلف به پرداخت تورم است؟ فرموده اند در صورت درخواست طلبکار باید جبران کند مگر در موقعی که شرط شده باشد ولو به نحو ارتکازی که همان مبلغ عودت داده شود همانند قرضی که مستاجر به موجر می دهد یا قرض الحسنه ای که بانکها می

پردازند. پولی که بانک می ده همون چهار درصدی که می گیره که به عنوان هزینه خدمات خودش می گیره به هرحال این نشون می ده که پس آقایان بعضی رسیده اند یا متمایل شده اند به اینکه بگویند پول امروز چیزی جز قدرت خرید نیست.

صحبت حضار: اینکه قدرت خرید و لو شرط هم نشه من اگه بیام کمتر از اون قدرت خریدی هم که قرض کردم بدم دینم کامل ادا نشده.

صحبت استاد: بسیار خوب این هم از آثارشه دیگه یعنی تعهد به اینه...

صحبت حضار: نه یعنی میخوام بگم فرمودند اگر شرط شود...

صحبت استاد: بله فرمودند اگر شرط شود اما منتها هنوز به نظرم میاد که این روند و پروسه طی نشده... حالا ما به مناقشاتی نسبت به اون نظر اول به ذهنمون رسیده تقدیم می کنیم...

صحبت حضار: این پول اعتباری لازمه اش این هست که ما اصل ماهیت پول رو بشناسیم و اونجا مبنا پیدا کنیم یعنی هر جا مبنا پیدا کردیم در پول اعتباری هم همون مبنا رو باید بیاریم ...

صحبت استاد: اجازه بدید که این رو توضیح بدم... پس تا اینجا نقل قول داریم میکنیم

ادامه نقد نظرات در مورد ماهیت پول اعتباری

اما پاره ای از مناقشات برای نظریه ارزش اسمی پول اینکه گفته شده قدرت خرید از عوارض و حالاته پوله نه از مقومات آن درباره پول اعتباری محض صادق نیست، چرا؟ چون این پول غیر از ارزش مبادله ای محض هیچ هویتی ندارد و جز اعتبار محض چیزی نیست. مال اعتباری است و باید به مقدار اعتباری که در نظر گرفته شده است محدود و معین باشد. یعنی مشخص باشد که چقدر اعتبار اینجا در نظر گرفته شده است. این سخن که مقوم پول اعتباری جز خرید آن چیزی نیست نشان دهنده تفاوت اساسی آن با پول حقیقی است که هم دارای ارزش مصرفی است هم دارای ارزش مبادله ای زیرا پول حقیقی مال است به حساب فلزی که دارد. همزمان دارای مالیت است. هرگونه نقصان در عین مال حقیقی مثل کاهش وزن، کاهش عیار موجب ضمان اتلاف است ولی کاهش مالیت آن ضمان آور نیست. اما پول اعتباری محض هیچ عینیتی ندارد و چیزی نیست جز اعتبار. مقوم پول حقیقی دو چیز است مال بودن حقیقی آن به اضافه اعتبار ناشی از ضرب سلطان و رواج آن و قدرت خرید آن ناشی از هردو وجه است. به همین دلیل اگر سلطان آن را اسقاط کند ارزش آن کاهش پیدا می کند و اگر معیوب باشد کاهش ارزش پیدا می کند و اگر رواج نداشته باشد کاهش ارزش پیدا می کند. نکته سوم اینه که اینکه در عرف گفته نمی شود در مورد پول اعتباری مقتض قدرت خرید قرض کرده به دلیل عدم دقت عرف عام می باشد. در این گونه موارد عرف خاص مهم است. عرف خاص کارشناسان و مردان اقتصادی هستند. در واقع اونایی که کارشون مبادله و داد و ستد هست. در عرف خاص ماهیت پول اعتباری را درک می کنند به علاوه حتی در عرف عام در یک شریطی کاهش قابل توجه ارزش پول اعتباری هر چه سریعتر آن را به سایر اموال تبدیل می کند به صورت نقدینه نگه نمی دارد. الان می بینیم دیگه این در شرایط حاضر ما خوب مشهوده، مردم پول رو به صورت وجه نقد نگه نمی دارند سریع تبدیلیش می کنند. یا به پول دیگری مثل ارز تبدیلیش می کنند یا به کالای دیگری تبدیلیش می کنند مثل خودرو، سکه، حتی افراد متدین در چنین شرایطی از دادن قرض خودداری می کنند. میگه وقتی که قرض بدم شش ماهه یا یک ساله باشه دیگه اون پول که به من بر نمی گرده. می فهمه که این پول اون پول نیست می فهمه که قدرت خرید آن را ندارد.

سوال حضار: استاد اگر قرض را مصرف کرد مثلا رفت دکتر یا به چیزی خرید و خورد، این چطور ارزش اضافه رو با تورم بهش بر گردونه؟ پاسخ استاد: اجازه بدید من از زاویه دیگه ای وارد شدم اصلا. شما نگاهتون نگاه خرده. نگاه من و شما هستیم که به هم قرض می دیم. من نگاهم نگاه کلانه. تکلیف ناشر پول رو باید مشخص کنیم.

تحلیل پایانی از ماهیت پول

گفتم علت تمایل انسانها برای دست یافتن به کالاها و متاعها منافع اونهاست که نیازی از نیازهای مستقیم یا غیر مستقیم انسانها رو برطرف می کنه. در زبان اقتصاد به این منافع ارزش مصرفی می گویند. ارزش مصرفی نان خوردنه، ارزش مصرفی لباس پوشیدنه، ارزش مصرفی

دوچرخه سوار شده، ارزش مصرفی مسکن سکونته... اگر نانوائی بیش از نیاز خودش نان تولید کنه اون مقدار مازاد نان را که تولید می کند به دیگران می دهد که بتواند ارزش مصرفیهای دیگری رو که انتظار داره به دست بیاره. خوب حالا نان تولیدی خودش را با کالایی دیگر عوض می کند اینجا چه چیزی مد نظر اوست؟ ارزش مصرفی یا ارزش دیگری؟ ارزش مصرفی مد نظر او نیست چون دارد ارزش مصرفی را به دیگری منتقل می کند و می خواهد ارزش مصرفی دیگری را مصرف کند. پس داره از ارزش مصرفی صرف نظر می کنه که اقدام به مبادله می کند. در مبادله یک ما به الاشتراک به وجود می آید بین دو کالا.

ما برگشتیم به مبادله کالا به کالا یا مبادله تهاتری. دو تا کالا که داره با هم مبادله می شه این دو کالا با هم یک مابه الاشتراک دارند. مابه الاشتراک ارزش مصرفی است ما به الاشتراک نقش مبادله ایشه. ارزش مبادله ای یک امر ذهنی است. در ذهن طرفین مبادله این ارزش شکل گرفته که این دو با هم از نظر ارزش باهم برابرند پس قابل مبادله هستند. در سیر تاریخی مبادلات بعضی از کالاها همین نقش ارزش مبادله ای رو به عهده گرفتند. که گفتیم گاهی اوقات گندم نقش ارزش مبادله ای رو به خود می گرفت. اینجا دیگه مبادله اون مینا بود و ارزش مصرفی اون مورد غفلت. باید کسی که اونرو واسطه مبادله قرار می داد از ارزش مصرفیش صرف نظر میکرد تا اون رو به عنوان کالای واسطه بپذیرد و بدهد و بگیرد پس ارزش مبادله معلوم می شد.

به تدریج فلزات این نقش را به دست گرفتند. از ویژگیهای خاصی هم برخوردار بودند. یکی از ویژگیهای که داشتند ماندگار بودن بود، فساد ناپذیری بود. مثلاً می گویند طلا در مقابله حرارت مقاومت می کند و در دو هزار درجه ذوب می شه پس این ماندگار است یا فساد ناپذیر است. بر این اساس طلا، نقره که فلزات ماندگاری هستند اینها نقش ارزش مبادله ای رو به عهده گرفتند. در شرایطی که اسکناس منتشر شد از سوی بانکهای مرکزی جایگزین فلزات شد. این اوراق مالی نقش ارزش مبادله ای رو بازی کردند و خود ورق ارزش مصرفی چندانی نداشت گرچه قیمتی داره بالاخره هزینه می کنند اما کسی به خاطر اون مبادله نمی کرد به خاطر **حاکمی** بودن ارزش مبادله ای مبادله می کردند.

با ظهور پول الکترونیک دیگه همان مقدار ارزش مصرفی هم که کاغذ داشت اون هم دیگه نداره. یک امر کاملاً فرضی و ذهنی. مجدداً برگشتیم به اینی که چیزی که واسطه مبادله شده یک ارزش مبادله ایست که یک امر ذهنی است تبدیل شده به پول الکترونیک. پس با ظهور پول الکترونیک دیگر هیچگونه ارزش مصرفی در آن تصور نمی شود تا بخواد از آن چشم پوشی بشه. بنابراین ماهیت پول چیزی جز ارزش مبادله ای خالص نیست که در پول الکترونیک ظهور پیدا کرده. البته پول کالایی، پول فلزی هم دارای ارزش مصرفی بوده اند هم دارای ارزش مبادله ای. مردم میتوانسته اند مصرف هم بکنند. تبدیل به مصرفش کنند. من به یاد بود خودم یادمه که خانمها مسکوکات طلا رو توی زرگریها به هم جوش می دادند و دستبند و گردنبند درست می کردند. یا مثلاً خانمهای عشایر از مسکوکات نقره استفاده می کردند لباسشان را تزیین می کردند. این دیگه کالای مصرفی بود. مصرف نادر بود.

بسیار خوب ولی حرف اینه که بالاخره آنچه مهمه وقتی پوله که مصرف نادر هم نشود. مسکوکات طلا و نقره حیث مصرفیش در هنگام مبادله به حاشیه می رفت. حیث مبادله ایش مبنای مبادله بود. من خواستم در تحلیل به این نکته برسیم. با تحلیلی که از این روند تاریخی پول داشتیم معلوم شد که ماهیت پول در همه مراحل چه در مراحل پول کالایی، پول فلزی چه در مرحله پول اعتباری حاصل جعل اعتبار از سوی ناشر پول هست. یعنی چیزی جز ارزش مبادله نیست و در پول کاغذی حاصل جعل اعتبار از سوی ناشر پول است. پول اعتباری مال خالص است. یعنی مال است و مالیت در مُدک است این طور نیست که فقهای بزرگوار بفرمایند مالیت آن کاهش پیدا کرده است. نه مالی است که اگر کاهش پیدا کرد هم مالیت نقصان پیدا کرده هم مال نقصان پیدا کرده است. چطور در مورد درهم و دینار اگر وزنش کاهش پیدا می کرد، اگر عیارش کاهش پیدا می کرد اگر قطعه ای ازش می افتاد می گفتند آقا مال ناقص، مال نقصان پیدا کرده است. مال ضرورت جبران دارد و ضمان تلف دارد ولی نقصان مالیت ضمان تلف ندارد.

جبران کاهش مالیت پول اعتباری

در مورد پول اعتباری ما رسیدیم به مالی که نقصان مالیت با نقصان مال یکیست. اگر ارزش پول مبادله ای کاهش پیدا کرد یعنی ارزش مال کاهش پیدا کرده است. و این نقصان، ضرورت جبران و ضمان دارد. گفتیم معمولاً دولتها در کشورهای قدرتمند اقتصادی با اعمال سیاستهای پولی مناسب، نرخ تورم سالیانه شون رو نزدیک به صفر رسوندند. الان نگاه کنید بیش از دویست کشور در جهان وجود دارد چهارپنج کشورند که تورمشون دو رقمیه بقیه کشورها تورمشون یا صفره یا منفیه مثل ژاپن یعنی ارزش ین ژاپن سال به سال قدرت بیشتری پیدا می کنه در مقابل دلار یا یک درصد و دو درصد و سه درصد و امثال اینهاست یعنی تلاش برای حفظ ارزش مبادله ایست. سیاستهای پولی رو که بانک های مرکزی اعمال می کنند سیاست انبساطی داریم سیاست انقباضی داریم. سیاست انبساطی در شرایطی صورت می گیره که مبادلات فراوان شده و مقدار پول به تناسب آن کمه. مثل اینکه رشد اقتصادی چین در یه مدتی بالای ده در صد بود. خوب رشد اقتصادی بالای ده درصد اقتضا می کنه پول هم رشد کنه. اگر پول رشد نکند کمبود نقدینگی باعث بالا رفتن ارزش کالاها می شه. یعنی قیمت اینها فی الواقع افزایش پیدا می کرد. پس باید برای حفظ ارزش و عدم به اصطلاح تقویت ارزش اون کالاها، ثبات عرضه اون کالاها باید نقدینگی بیشتری منتشر کنند. این سیاست انبساطی می شه. که معاملات رواج پیدا کنه تولیدکنندگان هم مورد تشویق قرار می گیرند. حتی نرخ دو درصد رو در اقتصاد توصیه می کنند. میگن دو درصد از تورم حمایت از تولید است. کمک به تولید است کاری کنیم تولید تشویق بشه. من به این اعتقادی ندارم. فرض می کنیم درست، اما حکایت از یک نوع تاکید بر حفظ قدرت خرید پولی، پس قدرت خرید پول باید حفظ شود. اعتبار ناشر به این است که این قدرت خرید محفوظ بماند.

اگر اعتبار ناشر به این است تمام تلاش این است که این ارزش محفوظ بماند. در یک شرایطی حتی درمورد پولهای حقیقی هم رخ می داد که سلاطین وقت به دلیل بروز جنگها تصرف می کردند دستکاری می کردند درعیار پولها در وزن پولها. برای چی برای اینکه جنگ اقتضا می کرد هزینه ها بالا می رفت و باید پرداختها افزایش پیدا می کرد پس باید کاری می کردند که بتونند ادا کنند اون پرداختهای خودشون رو، سربازان خودشون رو، فرماندهانشون رو، توی عرصه جنگ حفظش کنند. عیار طلا رو عیار نقره رو کمش می کردند، وزن سکه طلا رو وزن سکه نقره رو کمش می کردند. اینجا می شد عیب درپول، این پولها می شد معیوب. شما نگاه کنید (الدرهم المغشوشه الدرهم محمول علیها) یعنی اینها غلبه پیدا کرده اند مثل بر مقدار نقره. وقتی که اون دوره جنگ تمام می شد یا سلطانی نو روی کار میومد این سلطان نو ضرب سکه جدید می کرد چه طلا چه نقره عیار کامل. چرا؟ چون اعتبار اون سلطان به اعتبار سکه اش بود و اعتبار سکه حاکی از اعتبار سلطان بود.

نسبت به وضعیت پول اعتباری هم امروز همینو می گیم. هر اقتصاد مقتدر ارزش پول در آن محفوظه. هر اقتصاد دچار مشکل و دچار خسارتهای و زیانهای اقتصادی با نوسان قدرت خرید پول روبروست. جنگها معمولاً منشا رشد حجم نقدینگی می شدند معنانش اینه که به دنبالش کاهش ارزش پول اون دولتها رو داشته ولی وقتی که جنگ تمام می شد و دولتی مقتدر برگزار می شد اسکناس تازه ای رو منتشر می کرد و با این اسکناس تازه سعی می کرد قدرت خریدش رو محفوظ نگه داره پس سیاست انبساطی برای اینه که اگر رشد کالاها سریع داره پیش میره باید نقدینگی بیشتری باشه اگر عکس داستان رخ داد سیاست انقباضی اعمال می شه یعنی نقدینگی زیادی در دست مردم و نتیجه اش این هست که ارزش پول کاسته شده باید برش گردونه. برای اینکه برش گردونه سیاست انقباضی به کار می گیره. سیاست اعمال بازار باز برای سیاست انقباضی جمع می کرد نقدینگی رو. الان هم در کشور ما سیاست اعمال بازار باز در دستور کار قرار گرفته و بانک مرکزی میخواد این نقدینگی رو مقداری جمع بکنه که این مقدار به این رشد بی رویه نقدینگی آسیب نزنه. اینا حکایت از چی میکنه؟ حکایت از این می کنه که فی الواقع ارزش این پول به همان قدرت خریده و اعتبار این پول به همان قدرت خریده وظیفه سومی که اشاره کردیم اصلاً وظیفه اولی که اشاره کردیم که واسطه مبادلات باشد در شرایطی است که پول قدرت خریدش رو حفظ کرده باشه اگر وظیفه واسطه مبادله رو بخواد ایفا بکنه در یه شرایطی ممکنه حتی یه حجم عظیمی از پول منتشر شده باشه آدمای ترجیح بدنند به جای اینکه از این پول استفاده کنند از چیز

دیگری استفاده کنند یا مثلا ذخیره ارزش رو که اشاره کردیم خوب این ذخیره ارزش وقتی معنا داره که آدم پولش رو یک سال نگه بداره ارزشش محفوظ مانده باشه. اگر ارزش محفوظ مانده باشه اینجا ذخیره ارزش معنی داره اگر نه بنابراین باشه که پول طی یک سال چنان نوسانی پیدا بکنه که ذخیره ارزش بودن خودش رو بی معنا کنه.

بررسی یک روایت

به خاطر آمد روایتی را البته این رو از طرق اهل سنت دیدم از طریق شیعه ندیدم که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند مال یتیم را سرمایه گذاری کنید (ثلا یا کله الزکاه) تا زکات آن را نخورد. زکات درهم و دینار چقدره؟ ۲.۵ درصد. اگر این حدیث درست باشد که من احتمالش رو می دهم. چون هرچه را که اهل سنت نقل کرده اند لزوما مخدوش نیست و من احتمال می دهم قویا این حدیث درست باشد ونسبت به اصل ماجرا و رابطه حکم و موضوع وقتی می فرماید مال یتیم را سرمایه گذاری کنید تا اینه زکات نخوردش علی القاعده همیشه به صرف اینکه گفت ناقل روات اهل سنت هستند نادرسته بلکه این مناسبت و موضوع اقتضا می کنه که بگیم این روایت از اعتبار لازم برخوردار است. حضرت ۲.۵ درصد کاهش قدرت مالی یتیم را بر نمی تابد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر امروز در جامعه ما حضور داشته باشند کاهش ارزش اموال ملت رو با ۴۰ درصد تحمل می کردند؟

سوال حضار : استاد زکاتش از کجا مشخص می شه که ۲.۵ درصده؟
پاسخ استاد: شما که نرخ زکات درهم و دینار رو که حتما می دونید. زکات درهم چقدره؟ . یک چهلم. زکات دینار چقدره؟ یک چهلم. دقت فرمودید پس ۲.۵ درصده.

خوب این زکات ۲.۵ درصد رو پیامبر می فرماید کاری نکنید که ارزش پول یتیم کاهش پیدا کند. ببینید مردم خبر ندارند که چه اتفاقاتی داره می افته. با انتشار بی رویه پول توسط بانک مرکزی و بانکها داره مال اونها به سرقت می رود مال اونها کاسته می شود خودشونم بی خبر هستند. مردم بعدا متوجه می شوند بعد که دیدند این پولی که اونها داشته اند دیگه نمی تونند باهاش اون خرید قبلی رو انجام بدن می فهمند که این اتفاق افتاده. بنده معتقدم ناشر پول که دولت است بانک مرکزی است اینها باید اهتمام بلیخی رو داشته باشند بر حفظ قدرت خرید این پول چرا که مال مردم است اون مالی که در دست مردم و دولت مستقیما در آنها تصرفی ندارد با افزایش نقدینگی ارزش اونها کاسته می شود یعنی اون مال نقصان پیدا می کند. این نقص مال همچنان که فقها فرموده اند نقص مال موجب ضمان است برای دولت هم موجب ضمان است. غالبا تاکنون نگاهی که فقها داشته اند نگاه مبادلات پول بین مردم است. بنده اینجا رفتم نگاه کلان. آنچه که مهمه ناشر پول که این پول رو منتشر می کنه باید ارزش این پول رو نگه داری و حفظ کنه.

روشی تامین هزینه های دولت

سوال حضار : دولت راه دیگه ای برای اداره امورش داره که از طریق اون بحث انتشار پول رو متوقف کنه؟
پاسخ استاد: بله ببینید دولتهای دنیا چگونه دارند خودشون رو ملتشون رو مدیریت می کنند؟ با انتشار پول؟ نه با گرفتن مالیات. ما مالیاتهایی رو می توانیم بگیریم منتها باید به موقع وضع می شد به موقع گرفته می شد مالیاتهایی رو می تونیم بگیریم که مارو مستغنی کنند از انتشار پول. بانک مرکزی دو جور تحت فشار قرار می گیرد یک جور از ناحیه استقراض مستقیم. دولت یک مصوبه می گذراند یا مثلا بودجه کشور که تصویب می شود این بودجه مقتضاش پدید آمدن یک استقراضه چطور؟ هزینه هایی که در بودجه دیده می شه هزینه هایی است غالبا تعهد شده و پذیرفته شده. این هزینه های تعهد شده و پذیرفته شده رو در طول سال میان سازمان برنامه، اجرایی کنه تامین مالی کنه خوب اگر درآمدها تکافی نکرد نتیجه اش اینه که فشار میاره رو نقدینگی. یا مثلا اتکاء به نفت. خود اتکاء به نفت در شرایطی که ما نفت را می فروختیم و ارز آن به دست می آمد اون ارز در بازار عرضه می شد نقدینگی بیشتر می شد. این منشا رشد پول نبود. اما در شرایطی که این ارزها در خارج از کشور بلوکه شده، امکان جابجایی ندارد بانک مرکزی می بیند در بودجه فلان مقدار درآمد ارزی ناشی از فروش نفت در نظر گرفته شده. از ماه اول سال، فروردین خزانه اعلام می کند به بانک مرکزی این مقدار پول، شما باید تنخواه بدید. سه درصد تنخواه دولت

است برای شروع پرداختهای خودش در آغاز سال، سه درصد بودجه عمومی دولت، بودجه عمومی دولت در سال جاری حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان. سه درصد این رو در نظر بگیرید. در شرایط اضطراری سه درصد دیگر هم می تواند بگیرد میشه ۶ درصد. ۳ درصد ۵۰۰ هزار میلیارد تومان میشه ۱۵ هزار میلیارد تومان. ۱۵ هزار میلیارد تومان نقدینگی تازه می گیرد. این رو تا آخر سال باید تسویه کند اگر تا پایان سال تسویه نکرد بدهی است که لازم الاداء هست. ولی اثر خودش رو در کاهش ارزش پول ملی می گذارد. خوب راه جبران چیست؟ بودجه می باید طراز باشد. طراز بودن بودجه به اینه که درآمدها چقدره، هزینه ها به همون مقدار در نظر گرفته شود. پس متناسب بودن درآمدها و هزینه ها. هر مقدار درآمد داریم هزینه کنیم. آنچه را که درآمد نداریم هزینه نکنیم. اگر هزینه ها بیش از درآمدها شد کسری بودجه می شود. این کسر بوده منشا استقراض از بانک مرکزی است.

اخیرا یه راه جدید هم پیدا کردند، استفاده از صندوق توسعه ملی است. صندوق توسعه ملی برای چه در نظر گرفته شده است؟ برای اینکه بخشی از درآمد سالانه نفت واریز بشود این مقدار که واریز می شود حمایت کند از بخش خصوصی و بخش تعاونی که اونها تولید کنند، صادر کنند و به ارز برگردانند. خوب هرچه از اونجا بردارید حمایت از کسب و کار را کاهش داده اید. ولی برداشت از اونجا یه اثر دیگه هم داره، اون ارزی که مربوط به صندوق توسعه ملی است دقیقا مثل ارز دیگر که بانک مرکزی دارد در خارج از کشور بلوکه است پس ارز نمیتونه بیاد. وقتی ارز رو نمی تونند بیارند و به بازار عرضه بکنند از طرفی ما با کاهش ارز روبرو هستیم و از سوی دیگر چاره ای جز اینکه نقدینگی بانک مرکزی بدهد نیست معنای اینه که دولت اون ارزی رو که در حسابهای خارجی بانک مرکزی است به بانک مرکزی می فروشد که معادل آن اسکناس بدهد. حالا اون اسکناسی که دریافت کرد دولت به این میگن پول پر قدرت. این پول پر قدرت ۷ یا ۷.۵ برابر خودش رو باز تولید می کنه. دوتا اتفاق دوسه سال است که رخ داده. این تورم ناشی از این مسائله. یک اتفاق ۳۰ هزار میلیارد تومان استقراض بانک مرکزی برای پرداخت به مردمی که توی موسسات مالی اعتباری غیر مجاز سپرده گذاری کرده بودند و دسترسی به آن نداشتند. دولت محترم آمد مردم را از کف خیابان جمع بکنه از جیب همه ملت این ۳۰ هزار میلیارد تومان رو برداشت. ۳۰ هزار میلیارد تومان ضربدر ۷ میشه آقا؟ ۲۴۰ هزار میلیارد تومان. ۲۴۰ هزار میلیارد تومان دو سال و نیم قبل دولت نقدینگی منتشر کرد. این یعنی ۲۴۰ هزار میلیارد تومان قدرت خرید ملت رو کاهش داد. دوم اینکه سال گذشته ۸ میلیارد دلار به عناوین مختلف از صندوق توسعه ملی برداشت شد. اینم ضرب کنید در قیمت یورو البته به قیمت نیمایی، ضرب کنید در ۷ یا ۷.۵ ببینید چی میشه؟ امسال از آغاز سال تا کنون سران سه قوه نشستند با دستیارانشون و مصوبه ای رو گذروندند و از حضرت آقا درخواست کردند که آقا یک میلیارد یورو بدهید که البته غیر از این هم بوده، که آقا تحت فشار قبول کردند. این یک میلیارد یورویی که می خواستند بدهند که البته چهارصد میلیون یورو با خبری که من دارم اتفاق افتاد که کمک بدهند برای مبارزه با کرونا و دیدیم که آقای نمکی هم میگه این یک میلیارد یورو دست ما نرسید و اون چهارصد میلیون یورویی هم که اختصاص داده بودند گفت من برگردوندم. خوب آقای همتی می گوید من مقاومت کردم خدمت آقا هم نوشتم که آقا این باز هم موجب انتشار نقدینگی و تورم بیشتر می شود و ما در شرایطی هستیم که می خواهیم این نقدینگی را جمع کنیم این تورم را کاهش بدیم.

به هر حال آنچه که مهمه دولت می تواند مالیات وضع کند که سالهاست در این باره سخن گفته شده. مالیات بر عایدی سرمایه. عایدی سرمایه یعنی سود داد و ستدهایی که به صورت واسطه گری انجام می گیرد چه ارز چه سکه چه خودرو چه مسکن و چه هر چیز دیگری. همه اینها می تواند تحت عنوان عایدی سرمایه چه سپرده های بانکی است که خود سپرده های بانکی سالانه الان حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان سود دارد. این ۳۰۰ هزار میلیارد تومان اگر ۱۰ درصدش رو بیارند ۳۰ هزار میلیارد تومان میشه یک درآمد خوب ولی نه از اونها سود گرفته نمی شه. ۵۲ درصد این سپرده ها مال اشخاص اندکی است مال ۱۵۰۰۰ نفر است، شخصیت های حقیقی و حقوقی. خوب یعنی بزرگترین ثروتمندان این سرمایه ها رو در بانک دارند؟ هزینه ای نمی پردازند هزینه کارگر نمی دهند هزینه نمی دونم آب و برق ندارند مالیات هم ندارند. خوب مالیات از این منابع گرفته بشود، دولت هزینه های خودش را از این مالیات ها تامین بکند فشار نیارود روی بانک مرکزی و استقراض از بانک مرکزی.

صحبت حضار: حاج آقا سودی که بانکها می دهند جبران تورم را نمی کند بیاند مالیات هم بدهند؟

پاسخ استاد: سودی که بله بانکها نمی دهند.. از بانکها که نخواستیم جبران تورم را بکنند. یک نکته ایه که از شما نباید غفلت کنیم کسانی هستند که سپرده هاشون ناچیزه مثلا صد میلیون تومان که اینها خرده پا هستند و اینها مشمول اون مالیات نمی شوند. بالای دو یا چهار میلیارد تومان، عنایت کنید این کسی که دو یا چهار یا ده یا بیست میلیارد تومان داره اینها توجه کنید هزینه زندگی ماهیانه و سالیانه شون رو که کم بکنند اون سپرده ای که داره به صورت بهمن وار سال به سال رشد می کنه. اون دیگه فقط یک سپرده نداره که از شما معیشتش رو تامین می کنه بلکه ذخیره است. این ذخیره ها روی هم انباشته می شه سود مکرر روش میاد چون چنینه او متضرر نمیشه نگران نباشید.

صحبت حضار: متضرر از جهت معاشش نمی شه ولی از جهت نقدینگی تورم سرمایه اش بی ارزش شده.

پاسخ استاد: نه دیگه اون سرمایه به سرمایه قبلی افزوده می شه و سود مجموع نسبت به...

صحبت حضار: اینجوری مرکب بله ولی نسبت به بازار طلا وسکه...

پاسخ استاد: حالا مقایسه نکنید حقیقتش اینه که سپرده گذاران بانکی اون سودی که می برند اون سود شیرین ترین سودی است که در اقتصاد ما محقق می شه حالا به استثنای وضعیت اخیر بازار سرمایه. اونها متضرر نمی شوند نگران نباشید که قدرت خرید پول اونها کاهش پیدا می کنه به هر حال بنده معتقدم این مالیات برپایه سرمایه یک راه حله مالیات بر مجموع درآمد یه کسی مثل طلبه شهریه داره تموم شد و رفت من بعد میشه دوم اگر اتفاق بیفته ولی کسانی هستند که ده رشته درآمد دارند، بیشتر دارند خوب اینکه چند رشته درآمد داره مجموع درآمدش رو اگر بهش مالیات وضع کنند معنا پیدا می کنه. ما الان دو تا سه دهک در آمدی جامعه مون وضعیت بسیار بسیار مرفهی دارد هیچ قابل مقایسه با متوسط جامعه نیست تا چه برسه با طبقات کم درآمد جامعه.

صحبت حضار: ببخشید چیزی که نقش میخوره استقلال بانک مرکزی از دولته وغالب کشورها هم این قضیه رو دارند و رعایت کردند. پاسخ استاد: بله در کشور ما متأسفانه استقلال بانک مرکزی رو ما شاهد نیستیم.

صحبت حضار: حاج آقا فروش سهامی که الان راه افتاده دولت از این راه تامین مالی می کنه خودش رو، حالا ۲۰ درصدش که بیشتر فروش نرفت دارایی قم یا پالایشی قم، حالا اینم یادگرفتند که یکی از راه هایی است که دیگه دامن نزنند به بودجه همون نقدینگی جمع بشه دولت سرمایه هایی رو که ...

پاسخ استاد: ببینید دولت مکلف هست به واگذار کردن سرمایه هاش بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی ولی اینکه سرمایه ها رو واگذار می کنه درآمدی که به دست میاره چه کند اونجا دیده شده که باید پروژه های نیمه تمام را تمام کند اونجا دیده شده که باید در مناطق کمتر برخوردار پروژه های جدیدی رو با استفاده از بنگاههای توسعه ای فعال کنه و تامین مالی کنه. ولی دولت در شرایط حاضر این رو برای جبران کسری بودجه خودش به کار می گیره. حتی اگر این باشد بهتر از اینه که از این طرف نقدینگی رو بیشتر رشد بده و تورم بیشتری رو ایجاد کنه و جامعه رو دچار مخاطرات بالاتر و بزرگتری کنه.

صحبت حضار: حاج آقا یعنی از جیب خودش برداشت کنه نه از جیب مردم.

صحبت استاد: بله.

صحبت حضار: سلف نفتی هم ایجاد نشد.

صحبت استاد: نه سلف نفتی هم عمل نشد اونم دنبال این بودند که درآمدی رو برای دولت تامین کنند. یک نکته دیگه ای که می خواستم بگم این نکته غفلت نشود پول اعتباری با دو دید قابل نگاه است یکی با نگاه خرد یکی با نگاه کلان. با نگاه خرد شما اموال خودتون رو که فهرست می کنید می گید مثلا خانه دارم خودرو دارم وسایلی دارم و پول دارم جزء اموال شماست. پس پول در عداد اموال هر فردی از یک مملکت است به عنوان یک انسان یا هر بنگاه. وقتی می گیم خرد یعنی نگاه به بنگاه است نگاه به خانوار است. پس در خانوار در بنگاه با نگاه خرد، پول از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و جانشین همه کالاهاست و کنار کالاهای معنی داره ارزش داره. ولی پول در نگاه کلان در یک

جامعه هیچ نیست چرا؟ چون مجموع داراییهای یک کشور که عبارت است از بناها، اموال در کارخانجات و هر چیز دیگری که هست به علاوه پول نیست بلکه پول نماینده قدرت خرید همه اونهاست پس پول با نگاه کلان هیچ نیست و با نگاه خرد همه چیز است چرا که جایگزین همه چیز است. اینم نکته ای هست که قابل توجه.

احکام فقهی پول کالایی

گمان می کنم به بحثی رو جلسه گذشته هم واردش شدم بهش اشاره کردم یخورده بهش پردازم. اون احکام پول فقهی کالاییه. قبلا اشاره شد که اولین معاملات به صورت تهاتری بوده. الان هم معاملات تهاتری بین بعضی از کشورها جریان داره منتها تقویم با پول صورت می گیرد. در دوران پیشین که معاملات تهاتری بوده ابزاری نبود که اون ابزار **تقویم** کنند اما الان دیگه نه ضمنا ما به پول بین المللی داریم به نام اس. دی. آر. که یک پول فرضی است و ترکیبی است از پولهای معتبر جهانی مثلا سهمی از این پول با دلار در نظر گرفته شده است سهمی با یورو در نظر گرفته شده است قبلا مارک بوده و پوند بوده الانم پوند هم به معنایی داره، ین ژاپن هم هست، یوان چین هم هست. پولهای معتبر جهانی هر کدام در این اس. دی. آر. یک سهمی دارند اینو بهش میگن پول فرضی. در مقابلش در بانک اسلامی توسعه دینار اسلامی به صورت فرضی در نظر گرفته شده اونم ترکیبی از پولهاست تقریبا معادل با اس. دی. آر. منتها برای مبادلات بین ۵۶ کشور اسلامی که داد و ستد دارند تجارت دارند به چنین پول فرضی هم بانک توسعه اسلامی ایجاد کرده ولی خیلی مطرح نیست و خیلی مورد استفاده قرار نمی گیره کما اینکه اس. دی. آر هم خیلی موضوع مبادلات قرار نمی گیره پس امروز هم معاملات تهاتری هست. مبادله دوتا کالا با تفاوت جنس.

از اینجا می خوایم وارد بحث های فقهی بشیم. در مبادله دو کالا با تفاوت جنس در چنین معامله ای در شرع تفاضل دو کالا از نظر وزن و سایر خصوصیات مانعی نداره بلا اشکاله. خوب مراجعه بفرمایید به وسائل الشیعه جلد ۱۸ باب ۱۳، احادیث این باب و بعضی ابواب دیگر مربوط به این نوع معاملات. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کنه فرمود: (إذا اختلف الشیئان فلا بأس به مثلین بمثل یدا بید) وقتی که دو تا جنس مختلف باشند شما می تونید با هم مبادله کنید یکیش دو برابر دیگری باشد. مثل اینکه نقره ده برابر بده و طلا وزن یک دهم داشته باشه. کما اینکه نسبت در صدر اسلام همین بوده یعنی یک مثقال طلا معادل ده مثقال نقره بوده. ده درهم البته درهم مساوی با مثقال نیست. یک دینار مساوی است با یک مثقال ولی درهم نه خواستید وزنش هم خدمتون نگاه می کنم می گم. پس ده درهم می دادند یک دینار می گرفتند. نه مثلین به مثل در واقع عشره دراهم در مقابل دینار واحد. روایت بعدی هم از امام صادق علیه السلام قال: (ماکان من طعام مختلف) طعام در روایات مختلف غالبا جای گندم به کار رفته ولی در این روایت خصوصا این نیست چون اگر طعام مختلف باشه یعنی گندم ها مختلف باشه اینجا باید مبادله مثلا به مثل انجام بگیره. اما اگر از **گندم** خارج شدیم عدس و باقلا و لوبیا و امثال اینها شد (او مطاع او شیء من الاشیاء یتفاضل فلا بأس ببیعہ مثلین بمثل یدا بید) این روایات تاکید بر یدا بید داره یعنی نقد و (فاما نظرتا فلا یصلح) اگر بخواید نسیه باشد نهی می کند. این نهی رو فقها نهی کراهت و نهی تنزیلی دانسته اند چون حرمت ندارد که آدم به صورت نسیه دو کالایی رو که متفاوتند مبادله کند غیر از طلا و نقره. خاص طلا و نقره اگر می خواد مبادله بشه (مثلین بمثل یدا بید) حتما باید باشه. اما اگر خارج شدید از طلا و نقره چیزهای دیگر بود نه نظره اشکال نداره ولی خوب کراهت داره این یک، روایاتش متعدده من نمونه عرض می کنم. مبادله دوتا کالا با وحدت جنس در صورتی که اجناس مکیل و موزون باشند باید برابری وزن یا برابری کیل رعایت بشه. زراره از امام صادق علیه السلام (قال لا یكون الربا الا فی ما یکال او یوزن) اینم باب شش ابواب معاملات صفحه ۱۳۲ جلد ۱۸. عبید بن زراره (قال سمعت عن ابا عبدالله علیه السلام لا یكون الربا الا فیما یکال او یوزن) روایات در این جا باهم متعدده. در مورد کیل و وزن هم می فرماید: نظر بنابر روایت علی بن ابراهیم (عن رجاله فی حدیث الطویل قال ولا ینظر فیما یکال او یوزن الا الی العامه) نظر باید بنابه رفتار عامه باشه، عموم مردم نه شرع خاص (ولا یؤخذ فیه بالخاصه فان کان قوم یکیلون اللحم و یکیلون الجوز فلا یعتبر بهم لان الاصل اللحم ان یوزن و اصل الجوز ان یعد) این نشان می ده که پس مبنا هم رفتار عرف عام همه مردم در کیل و وزن. پس اون چیزی که به کیل مبادله می شه با کیل باید در نظر

گرفته بشه مثلا بمثل و اون چیزی که با وزن است. اما اون چه که پیام اصلیه این روایات هست اینه که معدودات (لا الربا فی المعدودات) در معاملات معاوضه ای در معدودات ربا نیست البته در قرض ربا سر جای خودش باقیست.

سوال حضار: این که فرمودید عرف عام، عرف عام یک شهر منظورتونه ؟

پاسخ استاد: نه عرف عام فراتر از شهره.

صحبت حضار: پس اگه این باشه خلاف مشهوره.

پاسخ استاد: خلاف مشهوره.

صحبت حضار: بعضی فقها این روایت رو رد کردن الان می گن اگر شما شهری رو رفتید که جنسی رو کیلویی می خرن اونجا درش ربای معاملی هست مثل تخم مرغ ، اگر اومدیم یک شهری که تخم مرغ رو دونه ای می خرن ربا نیست. پس این روایت منظورش عرف یک شهره.

پاسخ استاد: ببینید تعبیر چیه (فان كان قوم يكيلون) قوم یعنی چی ؟

صحبت حضار: قوم یک شهره

پاسخ استاد: نه قوم یک شهره که معنی نداره بزرگوار. وقتی می گن قوم، یعنی یک جمع عظیم.

صحبت حضار: مثل آلات قمار مثلا میگن اگه آلات قمار رو دو نفر بگن ما به نیت قمار بازی نمی کنیم ولی عموم شهر به نیت قمار بازی می کنند.

پاسخ استاد: اونجا که درسته حالا.

صحبت حضار: این بحثه که این قوم بین المللیه ؟

پاسخ استاد: نه بین المللی هم ما نگفتیم... اما این روایت چون من الان فقط دارم نمونه ذکر می کنم برای چی؟ برای اینکه یه اشاره ای کرده باشیم به مبادلات کالاها نه اینکه حالا می خوایم به نظر برسیم. مبادلات کالاها اگر هم جنس باشد وزنا بوزن، کیل باشد کیلا بکیل، نه وزن است نه کیل است معدود است، آزادید می تونید که تخم مرغ رو دو تا بدید و یکی بگیرید. گردو رو دو تا بدید یکی بگیرید. ولی مبنا بر این روایت علی بن ابراهیم که نقل می کند این است که مبنا عرف عام است نه عرف خاص. در مورد گندم وجو یه جنس شمرده می شه و مشتقاتش، آرد گندم و آرد جو با خود گندم و خود جو وزنا بوزن، بنابراین مبنا اینه که گندم و جو در بیان شارع یکی شمرده شده و اصل جو رو اصل شعیر رو حنطه دانسته اند.

عن ابی عبدالله عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله علیه السلام (قال سئل عن الرجل یبیع الرجل الطعام الاکرار) کر یک وزنه دیگه اکرار یعنی بسیار زیاد (فلا یكون عنده ما یتیم له ما باعه) مقدار کالایی که داره کفایت نمی کنه گندم رو بخواهد بدهد. ببینید اینجا طعام برای گندم به کار رفته (فیقول له خذ منی مکان کل قفیز حنطه قفیزین من شعیر حتی تستوفی مانقص من الکیل) به جای اینکه یک قفیز جو بگیرید گندم بگیرید دو قفیز بهت جو میدم تا آنکه مقدار کیل باقیمانده را تو پر کنی (قال لا یصلح لان اصل الشعیر من الحنطه ولكن یرد علیه الدراهم بحساب ما نقص من الکیل) مقداری که کمه دراهم رو بر گردونه. باز یک روایت دیگه هست من از هر کدوم دوتا نمونه آوردم (عن عبدالرحمن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان یجوز قفیز من حنطه بقفیزین من شعیر فقال لا یجوز الا مثلا بمثل ثم قال ان الشعیر من الحنطه) آرد هم همینطوره (عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر علیه السلام قال: قلت له ما تقول فی البر بالسویق فقال مثلا بمثل لا باس به قلت انه یكون له ربح) گفتیم آقا وقتی که تبدیل به آرد می شه منفعت داره (او یكون له فضل) این ارزشش بیشتره (فقال ا لیس له مئونه) خرج نداره (قلت بلی قال هذا اذا اختلف الشیئان فلا باس مثلین بمثل یدا بید) یه روایت دیگه (عن محمد بن مسلم و زراره عن ابی جعفر علیه السلام قال الحنطه بالدقیق مثلا بمثل والسویق بالسویق مثلا بمثل والشعیر بالحنطه مثلا بمثل لا باس به) بیع دو تا جنس مختلف می تونه هم مساوی باشه هم متفاضل باشه، نقد باشه ونسیه باشه ولی با کراهت نسیه. عنوان رو مرحوم صاحب وسائل کراهت نسیه قرار داده. (عن محمد بن

مسلم فی حدیث اذا اختلف الشیطان فلا باس به مثلین بمثل یدا بید) نقدی باید معامله بشه. (عن الحلبی عن ابی عبدالله علیه السلام قال ما کان لی طعام مختلف او مطاع او شی من الاشیاء یتفاضل فلا باس ببعه مثلین بمثل یدا بید) همان نظره فلا یصلح که این حمل بر کراهت شده، خوب چندتا روایت به دنبالشه.

سوال حضار: نسیه دو جنس هم جنس مکروهه یعنی؟

پاسخ استاد: بله قائل به کراهت شده اند.

ادامه سوال حضار: میخوام بینم دو جنس هم جنس؟

پاسخ استاد: هم جنس که ربا می شود ولی در غیر هم جنس ربا نیست ولی قائل به کراهت شده اند که نسیه داده بشه برا همین گفته شده یدا به ید.

خوب من همین جا با اجازه دوستان متوقف کنم بحث رو انشاالله ادامه بحث رو ما در جلسه آینده خواهیم داشت. امیدواریم که این بحث ها برای دوستان مفید واقع شده باشه و مارو از نقص در بحثهامون ببخشند. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته.